

رهبری اسلامی محمد با آنکه بصورت یک فرم مذهبی آغاز شده بود در جریان عمل به صورت یک حکومت عمدتاً سیاسی در آمد. قبایلی که اکثراً با جنگ و بخشی از آنان نیز به خاطر فرصت طلبی و بهره گیری از شرایط تازه به جبهه مسلمانان پیوسته بودند هیچگونه احساس مذهبی نداشتند و اصولاً نسبت به هر نوع انگیزه دینی بی تفاوت بودند. بخصوص هیچ نشانی از آنچه امروز از جانب ما «فئاتیسم» نام گرفته است در نزد آنها دیده نمیشد. آن مورخان معاصر که اعراب بادیه نشین فاتح جنگ با ایرانیان یا بیزانسی ها را متعصبانی مذهبی معرفی میکنند که به خاطر شور و ایمانشان خود را بی محابا به آغوش مرگ می افکندند، نوع احساساتی را که خاص دورانهای کنونی ناسیونالیسم ها و ایدئولوژیها است به قرن اول هجری و به بادیه نشینان آنروز عربستان منتقل میکنند بی آنکه شرایط فکری و اجتماعی این جوامع را در سیزده قرن پیش در نظر بگیرند.

جنگجویان عرب که فتوحات اسلامی را آغاز کردند تقریباً بطور انحصاری از بدویانی تشکیل شده بودند که در دوران زد و خوردهای رده به قبایل شکست خورده تعلق داشتند و پس از شکست خود در برابر نیروهای اعزامی حکومت مدینه بطور داوطلبانه در سپاهی که این حکومت برای جنگ در بیرون از مرزهای عربستان گردآوری میکرد عضویت جستند. چنین افرادی که تا چند ماه پیش از آن علیه اسلام جنگیده بودند نمیتوانستند یک شبه تبدیل به سلحشوران از جان گذشته آیین تازه شده باشند. آنچه واقعا آنان را به شرکت در جنگهای تازه تهاجمی برمی انگیزت عشق به غارت و غنیمت بود که این بار مجوزی شرعی نیز دریافت داشته بود.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال – دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>  
<https://the-derafsh-kavivani.com/>